

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
سال یازدهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۸

تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی: رهیافتی پیکره‌ای^۱

آتوسا رستم بیک تفرشی^۲
محمدعارف امیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل گفتمان استعاره مفهومی عشق، بر پایه رویکرد پیکره‌ای تحلیل انتقادی استعاره (Charteris-Black, 2004) در ترانه‌های فارسی، با مضامین عاشقانه و اجتماعی می‌پردازد. بر این مبنای، این مقاله می‌کوشد تا دریابد استعاره‌های مفهومی عشق در گفتمان ترانه‌های عاشقانه و اجتماعی چگونه طبقه‌بندی می‌شوند و مفهوم‌سازی استعاری عشق در گفتمان‌های عاشقانه و اجتماعی نیز چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. حجم نمونه، مشتمل بر ۱۵۰ ترانه است (۷۵ ترانه در هر ژانر) که با روش‌های پیکره‌ای و رایانه‌ای، از پیکره ترانه‌های فارسی معاصر - که شامل ۱۰۰۰ ترانه (۱۷۷۳۷۷ واژه) است، (Amiri, 2016) انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ۲۱۹ مورد کاربرد استعاری عشق، استعاره‌های هستی‌شناختی (۱۱۹ مورد)، ساختاری (۹۸

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.15079.1320

^۲ دکترای تخصصی، استادیار گروه زبان‌شناسی، هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده

مسئول)؛ A.Rostambeik@ihcs.ac.ir

^۳ دانشجوی دکترا، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ M.Amiri@ihcs.ac.ir

مورد) و جهتی (۲ مورد) به ترتیب بیشترین تا کمترین رخداد را داشته‌اند. همچنین دو کلید مفهومی عشق وحدت است و عشق نیرو است شناسایی گردیدند. میزان رخداد انواع استعاره‌های مفهومی عشق، در ترانه‌های عاشقانه در کلید استعاری عشق وحدت است، در تمامی موارد بیشتر از ترانه‌های اجتماعی به دست آمد. در کلید مفهومی عشق نیرو است، رخداد استعاره‌های مفهومی [عشق انگیزه / عذاب / درمانگر است] در ترانه‌های اجتماعی بیشتر از ترانه‌های عاشقانه بود. یافته‌های به دست آمده از آزمون آماری یومان ویتنی بر داده‌های پژوهش، نشان داد که تفاوت رخداد استعاره‌های عشق سوزاننده، انگیزه و سفر گیاه است و نیز کلید استعاری عشق وحدت است، در دو گفتمان در سطح $P < 0.05$ معنادار است؛ به گونه‌ای که در ترانه‌های عاشقانه، مفهوم سازی عشق با توجه به روابط فردی صورت گرفته است، در حالی که در ترانه‌های اجتماعی مفهوم سازی عشق، متأثر از جنبه‌های اجتماعی بوده است.

واژه‌های کلیدی: استعاره عشق، ترانه‌های فارسی، تحلیل انتقادی، تحلیل پیکره‌ای

۱. مقدمه

عشق از دیدگاه انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، همواره از مفاهیم انتزاعی بحث‌برانگیز بوده است. به باور کتونن (Ketonen, 1984; quoted from Harpela, 2015, p. 29) عشق بیشترین موضوعی است که در ادبیات جهان به آن پرداخته شده است. وی معتقدست عشق در واقع، معنایی باستانی دارد و به نظر می‌رسد این مفهوم نقشی اساسی در شکل‌دهی به نوع بشر بر عهده داشته است. علاوه بر این، پروتاسی (Protasi, 2008) بر این باور است که عشق در واقع اروس^۱ است. او اروس را به مثابه وابستگی پرشور و احساسی تعبیر می‌کند که نسبت به یک فرد داریم و آن را به صورتی زیبا، مطلوب و ارزشمند می‌بینیم. عشق در فرهنگ معین نیز به صورت «به شدت دوست داشتن، شیفتگی و لذت» معنا شده است. در مدخل عشق به عشق افلاطونی و «عشق بدون گرایش جنسی» اشاره شده است. از دیدگاه زبان‌شناسی نیز مفهوم سازی عشق در حوزه عواطف و روابط انسانی از جنبه شناختی به ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به باور کووچش (Kövecses, 1995/2007, p. 2-9) عشق همراه با مواردی مانند شادی، غم، خشم و ترس، یکی از عواطف بنیادی بشر است. اگرچه، ممکن است طبقه‌بندی‌های یکسانی از عواطف بنیادی در تمامی

¹ eros

زبان‌ها و فرهنگ‌ها یافت شود. به نظر می‌رسد که دست‌کم تفاوت‌های کوچکی بین این طبقه‌بندی‌ها وجود داشته باشد. با وجود این تفاوت‌های احتمالی، می‌توان این‌گونه فرض کرد که برخی طبقه‌بندی‌های عواطف همان چیزی است که افراد متعلق به پیشینه فرهنگی و زبانی گوناگون در آن اشتراک دارند. کووچس (Kövecses, 1995/2007) معتقدست استعاره‌های مفهومی و نقش آن‌ها در مفاهیم عاطفی می‌توانند فرهنگ‌ویژه باشند. این امر می‌تواند این پرسش را ایجاد کند که آیا این استعاره‌های مفهومی اند که مدل اجتماعی مربوط به عواطف را شکل می‌دهند و یا این استعاره‌ها فقط بازتاب‌دهنده آن‌ها هستند. او خود نگاهی بینابین به این موضوع دارد و هر دو صورت را ممکن می‌داند. در پژوهش حاضر، مفهوم‌سازی عشق در ترانه‌های فارسی تحلیل می‌شود.

در پیوند با ترانه، همانند شعر و هنر نمی‌توان تعریف جامعی ارائه کرد. داد (Dad, 1996, p. 69) در مدخل ترانه، تعریف‌هایی از این دست را ارائه داده‌است. به باور وی، ترانه در لغت، به معنای تر و تازه و جوان خوش‌صورت و دارنده زیبایی است و در ادبیات، هر سروده کوتاهی است که با یکی از لحن‌های موسیقی هماهنگ باشد. در فرهنگ‌نامه ادب فارسی، ترانه شعری غنائی دانسته شده‌است که به بلندی و کوتاهی مصراع‌های آن چندان توجه نمی‌شود. شمیسا (Shamisa, 2007) می‌نویسد «ترانه، امروزه مترادف با تصنیف، آواز و سرود و نغمه و به‌طور کلی، اشعار ملحون به کار می‌رود.» (Shamisa, 2007, p. 13). ترانه‌ها از جنبه زبانی با زبان رسمی تفاوت دارند و در گستره ادب عامه مورد بررسی قرار می‌گیرند. رضی و عبداللهیان (Razi & Abdollahian, 2013) ترانه‌ها را بر پایه مفهوم به هفت دسته ترانه‌های عاشقانه، سیاسی، اجتماعی، ملی-میهنی (سرودها)، مذهبی، وصف طبیعت و سرور و شادی تقسیم‌بندی کرده‌اند. پژوهش حاضر، بر دو ژانر عاشقانه و اجتماعی تمرکز دارد. به باور آن‌ها، در ترانه عاشقانه، تکیه اصلی مفهوم ترانه‌ها بر عشق است، درحالی‌که ترانه‌سرایان در ترانه‌های اجتماعی با نگاهی همراه با احساس و عاطفه به مسائل و مشکلات اجتماعی، خواهان زندگی بهتر برای افراد جامعه‌اند. به این ترتیب، نوع مفهوم‌سازی عشق در بین ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه و گفتمان‌های همسو با آن‌ها با توجه به ایدئولوژی و هدف‌هایی که تولیدکنندگان این متون نسبت به هم داشته‌اند، می‌تواند بسیار بااهمیت باشد.

عناصری که در هر یک از کاربردهای استعاری عشق وجود دارد و نگاشتی که از حوزه‌های متفاوت مبدأ بر حوزه مقصد عشق صورت گرفته‌است، می‌تواند موجب برجستگی آن ویژگی شود. همین امر می‌تواند توجیه ایدئولوژیکی داشته باشد که با توجه به نیت‌ها و مقصد‌های تولیدکننده آن متفاوت باشد. در پژوهش حاضر، مفهوم‌سازی استعاری عشق از دیدگاه تحلیل

گفتمان انتقادی و با رویکردی پیکره‌بنیاد در پیکره‌ ترانه‌های فارسی موسیقی پاپ (Amiri, 2016) در دو ژانر اجتماعی و عاشقانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس نگارندگان بر آنند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند که «استعاره‌های مفهومی عشق در گفتمان‌های عاشقانه و اجتماعی چگونه طبقه‌بندی می‌شود؟». همچنین «مفهوم‌سازی استعاری عشق در ترانه‌های عاشقانه و اجتماعی چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند؟» به این ترتیب، فرضیه‌های پژوهش از این قرارند: نخست اینکه، «استعاره‌های مفهومی عشق در هر دو گفتمان به انواع استعاره‌های ساختاری^۱، هستی‌شناختی^۲ و جهت‌ی^۳ قابل دسته‌بندی است.». دوم آنکه، «شیوه‌های مفهوم‌سازی عشق در استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی در ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه به لحاظ کمی و کیفی تفاوت معناداری دارند.». به گونه‌ای که در ترانه‌های عاشقانه مفهوم‌سازی عشق با توجه به روابط فردی صورت می‌گیرد، در حالی که در ترانه‌های اجتماعی این مفهوم از روابط عاشق-معشوق فراتر می‌رود و جنبه اجتماعی به خود می‌گیرد.

۱.۱. چارچوب نظری

به باور لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی، فرآورده کنش مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی، نقش اصلی در تبیین واقعیت‌های روزمره زندگی دارد. از آنجا که این نظام، ساختاری استعاری دارد، شیوه‌اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن بشر نیز زیربنای استعاری دارد (Afrashi, 2016, p. 66). استعاره از دیدگاه لیکاف و جانسون، فقط ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و گونه‌ای آرایه ادبی نیست (Lakoff & Johnson, 1980, p. 3) بلکه جوهره اصلی استعاره، تجربه و فهم یک پدیده، به وسیله پدیده دیگری است (همان، ۵). لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980) معتقدند از آنجا که مفاهیم و کنش‌های ما به صورتی استعاری سازمان یافته‌اند؛ در نتیجه، زبان ما نیز به شیوه‌ای استعاری شکل گرفته است (همان، ۵-۷).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهای ذهنی‌اند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند. بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses, 2010, p. 63). کووچس (Kovecses, 2010) نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را این گونه ارائه کرده است: (۱) استعاره، خاصیتی است مربوط به مفاهیم و نه واژه‌ها؛ (۲) نقش استعاره، فهم بهتر مفاهیمی ویژه است

¹ structural

² ontological

³ orientational

و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی؛ (۳) استعاره‌ها، اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند (۴) استعاره، در زندگی روزمره و بدون زحمت، به وسیلهٔ افراد عادی به کار می‌روند و نه فقط توسط افرادی با استعداد‌های ویژه؛ و (۵) استعاره، به جای آنکه نوعی آرایه ادبی اضافی باشد، نوعی فرایند گریزناپذیرِ تفکر و استدلالِ بشر است. (همان، X)

لیکاف، الگوهای ثابتی مانند [عشق سفر است] را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع باز نمود زیبایی‌شناختی استعاره است. وی، نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند (Afrashi, 2016, p. 67-68). نام‌نگاشت [عشق سفر است] از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است.

استعاره‌های مفهومی، با توجه به نقش شناختی که بر عهده دارند، در سه طبقه ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی قرار می‌گیرند (Lakoff & Johnson, 1980, p. 61). این طبقه‌بندی تا اندازه‌ای با تقسیم‌بندی سه گانه ملموس، جان‌بخش و تشخیص‌بخش مونتگومری و همکاران (Montgomery et al., 2007) که در پیوند با رویکرد سنتی به استعاره است؛ سازگاری دارد. استعاره ساختاری، سخنگویان زبان را قادر می‌سازد تا با استفاده از ساختار مفهومی حوزه مبدأ در پیوند با مفاهیم حوزه مقصد، شناختی به دست آورند. نقش شناختی استعاره‌های هستی‌شناختی، ایجاد یک مبنای هستی‌شناسانه جدید برای یک مفهوم است و استعاره‌های جهت‌ی بر پایه جهت‌های اصلی، به عنوان حوزه مبدأ شکل می‌گیرند و با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی‌اند، ارتباط می‌یابند (Afrashi, 2016, p. 78-82).

تحلیل انتقادی استعاره، رویکردی به تحلیل استعاره است که هدف آن همانند تحلیل گفتمان انتقادی، کشف هدف‌ها و نیت‌های پنهانی (و احتمالاً ناخودآگاه) کاربران زبان است. روش‌شناسی تحلیل استعاره مفهومی با گردآوری نمونه‌هایی از استعاره‌های زبانی آغاز می‌شود که این نمونه‌ها در گروه استعاره‌های مفهومی، طبقه‌بندی می‌شوند. سپس، الگوهای ادراک یا تفکری که باورها و کنش‌های مردم را بنا می‌سازند و آن الگوها را محدود و تعریف می‌کنند، پیشنهاد می‌شوند (Cameron & Low, 1999, p. 80). در واقع، این مرحله‌ها، شباهت بسیاری با الگوی پیشنهادی فرکلاف (Fairclough, 1995, p. 6) دارند که سه مرحلهٔ شناسایی^۱، تعبیر^۲ و تبیین^۳ را در بر می‌گیرد.

¹ identification

² interpretation

³ explanation

چارتریس بلک (Charteris-Black, 2004) سه مفهوم را معرفی کرده است: کلید مفهومی، گزاره‌ای است که با نشان دادن ارتباط مجموعه‌ای از استعاره‌های مفهومی تنش معنایی آن‌ها را رفع می‌کند؛ استعاره مفهومی، گزاره‌ای است که با نشان دادن ارتباط مجموعه‌ای از استعاره‌ها تنش معنایی^۱ آن‌ها را رفع می‌کند؛ استعاره، نوعی بازنمایی زبانی است که از تغییر کاربرد یک واژه یا عبارت از بافت یا حوزه خاصی که انتظار می‌رود در آن ظاهر شود به بافت یا حوزه‌ای دور از انتظار است، حاصل می‌شود که خود موجب تنش معنایی (گسترش معنایی) می‌شود. نمونه‌هایی که بر پایه این تعریف کاربردی استعاری دارند به عنوان کلیدواژه در پیکره پژوهش، جستجو شدند و از جنبه کمی اندازه‌گیری شدند. در مرحله دوم، که مرحله کیفی است، بافت رخداد کلیدواژه در پیکره بررسی شد تا مشخص شود کاربرد کلیدواژه استعاری بوده است یا تحت‌اللفظی. مرحله تعبیر، شامل ایجاد ارتباط بین استعاره‌ها و عوامل شناختی و کاربردشناختی تعیین‌کننده آن‌ها بود که به شناسایی استعاره‌های مفهومی منجر شد. در مرحله تعبیر به این مسئله توجه شد که انتخاب استعاره تا چه اندازه در ساخت بازنمایی‌های مهم اجتماعی فعال است. به بیانی، تبیین استعاره‌ها شناسایی ساز و کارهایی اجتماعی است که در تولید استعاره دخالت داشته‌اند و نیز نقش آن‌ها در اقناع^۲ را در بر می‌گیرد. شناسایی کارکرد گفتمانی استعاره‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که انگیزه ایدئولوژیک و بلاغی مفهوم‌سازی استعاری را مشخص کنیم (Charteris-Black, 2004, p. 34-40). از استعاره، معمولاً برای اقناع استفاده می‌شود. زیرا استعاره دنیا را به شیوه‌ای جدید نمایش می‌دهد و بینش تازه‌ای را پیش‌رویمان قرار می‌دهد. از استعاره، هم برای ایجاد یک چارچوب مفهومی، برای بازنمایی ایده‌های جدید و هم از واژه‌های جدید برای پر کردن خلأهای واژگانی استفاده می‌شود (همان، ۷-۸).

پژوهش حاضر به واکاوی استعاره در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و پیکره‌ای می‌پردازد. نظریه استعاره مفهومی که در سال‌های اخیر، بسیار رواج یافته (Kovecses, 2010, p. vii)، مبنای شناسایی استعاره قرار می‌گیرد. زبان‌شناسی شناختی که بر ساختمان عصبی انسان و چگونگی تأثیر آن بر زبان و شناخت متمرکز است (Lakoff & Johnson, 1999) در دوره‌ای طولانی، نقش شرایط فرهنگی-اجتماعی شناخت یا ارتباط آن با گفتمان را نادیده گرفته بود. لی (Li, 2016) معتقد است با تحلیل انتقادی استعاره نیت‌های ضمنی گوینده و مناسبت‌های پنهانی قدرت را می‌توان کشف کرد. از سوی دیگر، تحلیل گفتمان انتقادی، اصولاً گرایش به بررسی مسائل

^۱ semantic tension

^۲ persuasion

اجتماعی (Van Dijk, 1993, p. 252) دارد و در پی کشف ایدئولوژی‌های پنهان شده در گفتمان است. بر پایه روش تحلیل گفتمان انتقادی، هر کنش گفتمانی توانایی آن را دارد که به شیوه‌ای آگاهانه مقاصدی داشته باشد که بازتاب‌دهنده جایگاه اجتماعی نسبی تولیدکننده متن و دریافت‌کننده آن است. گرایش به تلفیق این دو حوزه سبب شده است که زبان‌شناسی شناختی به عامل‌های تأثیرگذار اجتماعی-فرهنگی در کاربرد زبان و پیوندهای آن با گفتمان بیشتر توجه نشان دهد. همچنین تحلیل گفتمان انتقادی با بهره‌گیری از یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌های زبان‌شناسی شناختی، خود را با روش‌شناسی موجود در زبان‌شناسی شناختی همسو ساخته است. نتیجه تلفیق این دو حوزه پژوهشی، سبب به وجود آمدن حوزه‌ای به نام «تحلیل انتقادی استعاره» شده است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و پیکره‌بنیاد است. جامعه آماری پژوهش، شامل ۱۰۰۰ ترانه فارسی (۱۷۳۳۷۷ واژه) موسیقی مردم‌پسند (پاپ) بود که متعلق به سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۹۵ بودند (Amiri, 2016). متن ترانه‌های مورد بررسی از منابع چاپی و الکترونیکی استخراج شده است. انتخاب ترانه‌ها، بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. به گونه‌ای که از میان نمونه‌های دردسترس، ترانه‌هایی در کتاب‌ها یا تارنماهای مرتبط با موسیقی، گردآوری شدند که از جمله ترانه‌های ماندگار و یا پرمخاطب معرفی شده بودند. با توجه به اینکه کلیدواژه عشق که در حوزه مقصد کاربردهای استعاری این مفهوم قرار دارد، مورد جستجو قرار گرفت. سپس، فهرست واژه‌نمایی تهیه شد و هم‌آیندها و بافت زبانی موارد رخداد واژه عشق بررسی شد. در این میان، حدود ۹۰ ترانه اجتماعی و ۲۲۰ ترانه عاشقانه استخراج شدند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در هر ژانر ۷۵ ترانه انتخاب شدند^۱. در پایان، استعاره‌های عشق در دو ژانر اجتماعی و عاشقانه با یک‌دیگر در چارچوب رهیافت تحلیل گفتمان انتقادی مقایسه شدند. در این راستا، طبقه‌بندی استعاره در چارچوب الگوی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980, p. 61) در

^۱ نام‌های ترانه‌سرایان از این قرارند: اردلان سرفراز، افشین مقدم، افشین یداللهی، ایرج جنتی عطایی، پاکسیما، روزبه بمانی، زویا زاکاریان، تورج نگهبان، شهیار قنبری، مریم حیدرزاده، مسعود فردمنش، هما میرافشار، لیلا کسری، اهورا ایمان، یغما گلروبی، احمد شاملو، حیدر رقابی، رها اعتمادی، سیمین بهبانی، فاطمه اختصاری، سید مهدی موسوی، پرویز خطیبی، فرامرز اصلانی، محسن یگانه، محمد نوری، مهدی اخوان لنگرودی، مینا اسدی، نیلوفر لاری پور، هیلا صدیقی، ناصر رستگار نژاد، بیژن سمندر، ژاکلین، سعید دبیری، جهانبخش پازوکی، مسعود امینی، منصور تهرانی، مونا برزویی، مهین آبادانی، مهرزاد امیرخانی و همایون هوشیار نژاد.

سه دسته ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی انجام شد. به منظور تحلیل گفتمان انتقادی استعاره، به روش پیکره‌ای از الگوی چارتریس بلک (Charteris-Black, 2004) بهره گرفته شده‌است.

۳. پیشینه پژوهش

در پیوند با چگونگی مفهوم‌سازی عشق و کاربرد استعاری آن از دیدگاه شناختی، پژوهش‌های گوناگونی در داخل و خارج از ایران انجام شده‌است. در ادامه، آثاری که به بررسی متن‌های ادبی پرداخته‌اند، مرور می‌شود. پوراابراهیم و غیاثیان (Pour Ebrahim & Ghiasian, 2013) بر پایه نظریه استعاره شناختی، به بررسی خلاقیت‌های شعری حافظ، در مفهوم‌سازی عشق پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که در شعرهای حافظ، برای مفهوم‌سازی عشق از مفاهیمی مانند آتش، سفر، مستی به‌عنوان حوزه مبدأ استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد کاربرد خلاقانه مفهوم‌سازی استعاری، جان‌پنداری، استعاره‌های تصویری و مجاز مفهومی منجر به تمایز زبان شعر از زبان عادی می‌شود. قوام و هاشمی (Ghavam & Hashemi, 2014) به بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی عشق در آثار احمد غزالی پرداخته‌اند. آن‌ها بر مبنای تقسیم‌بندی لیکاف و جانسون درباره استعاره‌های هستی‌شناختی (Lakoff & Johnson, 2003, p. 25)، قلمروهای حسی این مفاهیم را بر اساس هستومندها، به دو دسته اصلی جان‌دار و بی‌جان تقسیم کرده‌اند. طبقه جان‌دار به سه دسته گیاه، حیوان و انسان تقسیم می‌شوند. در گروه بی‌جان ظرف و غیر ظرف قرار می‌گیرند که هر کدام خود به دو دسته طبیعی و غیرطبیعی تقسیم می‌شوند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که دریافت غزالی از عشق، دریافتی زیبایی‌شناسانه نیست، بلکه نوعی تجربه زاهدانه است که برخاسته از نسبت عبد و معبود است. بر پایه این دریافت، خداوند همچون سلطانی قاهر و قادر است. زرقانی و همکاران (Zarghani et al., 2015) به بررسی دگرگونی استعاره عشق از سنایی تا مولانا پرداخته‌اند. در غزلیات سنایی ۲۲ کلان استعاره؛ در شعرهای عطار، ۲۵ کلان استعاره و در سروده‌های مولانا، ۲۲ کلان استعاره با مرکزیت عشق ایجاد شده‌است. فاروقی هندوالان و حسینی (Faroughi & Hosseini, 2014) به بررسی استعاره‌های هستی‌شناختی در کارآوهای خراسان جنوبی در دو بخش انسان به‌مثابه حوزه مبدأ و غیر انسان به‌مثابه حوزه مبدأ پرداخته‌اند. با بررسی ترانه‌ها به ۵ نگاهت مفهومی دست یافته‌اند. نخست، درخت زرشک انسان است. دوم، زعفران انسان است. سوم، عاشق/معشوق پرنده هستند. چهارم، گل انسان است و پنجم، غم/مهر درخت هستند. پوراابراهیم و همکاران (Pour Ebrahim et al., 2017) با رویکردی تطبیقی استعاره مفهومی عشق را در زبان شعر و زبان روزمره بررسی کرده‌اند. تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس رویکرد کوچش (Kovecses, 2010) انجام شده‌است. یافته‌های این بررسی‌ها نشان داده‌است که در هر دو

گونه زبانی از استعاره‌های عشق و نگاشت‌های اصلی میان مفهوم مقصد عشق و مفاهیم حوزه مبدأ، به شیوه یکسانی استفاده شده است. شریفی مقدم و همکاران (Sharifi moghadam et al., 2018) استعاره‌های مفهومی شادی و غم را در سروده‌های پروین اعتصامی بررسی و مقایسه نموده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داده است فراوانی استعاره‌های مفهومی غم و نیز گستره و تنوع معنایی در آن‌ها به صورت چشمگیری بیشتر از حوزه مقابل یعنی شادی بوده است. همچنین شباهت بین دو حوزه احساس، علاوه بر استفاده مشترک از استعاره‌های هستی‌شناسانه و نیز استعاره‌های جهت‌ی، در حوزه‌های مبدأ مشترک شامل زمان، مکان و سلامتی نیز شباهت‌های چشمگیری داشته‌اند. کووچس (Kovecses, 2010) به مفهوم‌سازی عشق پرداخته است و عناصر استعاره مفهومی [عشق سفر است] را به شرح زیر معرفی کرده است:

جدول ۱: عناصر استعاره مفهومی عشق

حوزه مبدأ: سفر	حوزه مقصد: عشق
مسافرین	عاشق و معشوق
مرکب	خود رابطه عاشقانه
سفر	آنچه در رابطه اتفاق می‌افتد
مسافت طی شده	پیشرفت در رابطه
موانع پیش رو	دشواری‌هایی که عاشق و معشوق تجربه می‌کنند
تصمیم‌گیری در مورد انتخاب مسیر	انتخاب اینکه چه باید انجام شود
مقصد سفر	هدف رابطه

لوپز (López, 2010) به بررسی استعاره عشق در سروده‌های پابلو نرودا^۱ پرداخته و برای استعاره عشق در آثار وی انگاره‌ای ارائه داده است. وی در این انگاره فرهنگی به این نکته اشاره کرده است که عشق، زیرمجموعه‌ای از انگاره کلی تر عواطف انسان است. این انگاره، خود متأثر از برداشت غربی از عشق، رابطه عاشقانه، هوس، جنسیت و سایر طرح‌واره‌هایی است که در ادراک غرب از انگاره عشق وجود دارند. استعاره‌های عشق به کاررفته در آثار نرودا در استعاره‌های عشق وحدت است، عشق نیرو است، عشق زمان است و عشق یک موجود زنده است، مشاهده می‌شود. ترن (Tran, 2011) استعاره‌های عشق را از دیدگاه سنتی و معاصر در انگلیسی و ویتنامی بررسی و مقایسه کرده است. از دیدگاه سنتی، عشق یک موجود زنده است (عشق چرخه زندگی است؛ زندگی چرخه عشق است؛ زندگی روزمره عشق)، عشق پدیده‌ای طبیعی است (عشق خورشید

¹ Pablo Neruda

است؛ عشق ماه/ستاره است؛ عشق شعله/آتش است) و از منظر معاصر [عشق سفر است] (بیان‌های استعاری: عشاق مسافری هستند؛ شروع؛ در مسیر عشق بودن؛ پایان)، [عشق بهشت (آسمان heaven) است]، [عشق سناریوی سه‌وجهی است] و [عشق نبرد است] را شناسایی کرده‌است. گاولین (Gavelin, 2016) به بررسی استعاره‌های مفهومی عشق در ترانه‌های ماریا کری^۱ (ترانه‌سرا و خواننده) پرداخته‌است. وی در این زمینه، مواردی را گزارش کرده‌است که شامل عشق پرستار، عذاب، هوا برای تنفس، دستگاه، گیاه، جنگ، جادو، جنون، بازی، نیروی جسمی، وحدت، صبر، یک شیء پنهان‌شده، رؤیا، یک حیوان در بند و سفر است، هستند. از این میان «عشق سفر و شیء است»، پربسامدترین استعاره‌های مفهومی بوده‌اند. هارپلا (Harpela, 2015) به بررسی استعاره‌های مفهومی عشق در ترانه‌های کایلی مینوگ^۲ (ترانه‌سرا و خواننده) پرداخته‌است. وی استعاره‌های مفهومی این ترانه‌ها را در سه دسته استعاره‌های ساختاری، جهت‌ی و هستی‌شناختی طبقه‌بندی کرده‌است. استعاره‌های جهت‌ی شامل بالا و پایین، این‌جا و آن‌جا هستند. استعاره‌های ساختاری عشق سفر، موسیقی، خلسه، جنون، جادو، مذهب، نزدیک شدن، وحدت، نور و فام‌داری را در بر می‌گیرند. استعاره‌های هستی‌شناختی مشتمل بر عشق خوردنی، گیاه، مایع (دون ظرف)، ساختمان، بازی، منبع گرما و یک شیء نجومی است، هستند.

در برخی پژوهش‌ها، از نظریه استعاره مفهومی به همراه تحلیل گفتمان انتقادی و پیکره‌ای نیز استفاده شده‌است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. رضاپور (Rezapour, 2010) به معرفی و نقد کتاب رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره پرداخته‌است. آئینه‌وند (Ayineh Vand, 2012) برای بررسی انتقادی-شناختی پدیده استعاره در گفتمان سیاسی ایران از نظریه معاصر استعاره (Lakoff & Johnso, 1980) و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بهره گرفته‌است. گلشائی و همکاران (Golshaie et al., 2014) دو فرض «استعاره مفهومی یعنی زبان استعاری جایگاهی فرعی نسبت به استعاره‌های مفهومی ذهنی دارد» و «استعاره‌های زبانی متعارف نظام‌مند هستند» را با استفاده از روش پیکره‌بنیاد مورد ارزیابی قرار داده‌اند. به این منظور، از پیکره‌ای پنجاه میلیون واژه‌ای استفاده کرده‌اند که به‌طور تصادفی از پیکره همشهری نمونه‌گیری شده بود. همچنین در تحلیل از نرم‌افزار آنت‌کنک^۳ بهره گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که فرض اول تأیید نمی‌شود، اما فرض دوم به صورت نسبی تأیید می‌شود. گو (Guo, 2013) با اشاره به اینکه تحلیل گفتمان انتقادی معمولاً از این نظر که به جنبه‌های شناختی گفتمان نمی‌پردازد مورد انتقاد قرار

¹ Mariah Carey

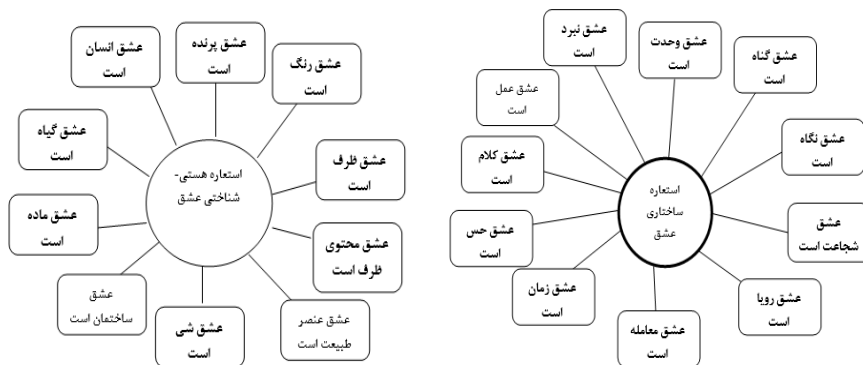
² Kylie Minogue

³ AntConc

می‌گیرد، به بررسی استعاره از منظر تحلیل گفتمان می‌پردازد. وی معتقد است که استعاره، نقش حیاتی در برساخت واقعیت اجتماعی دارد و بخش مهمی از ایدئولوژی به شمار می‌رود. بنابراین استعاره را می‌توان هم از جنبه کارکرد شناختی و هم بر پایه کارکرد کاربردشناختی و ایدئولوژیک‌اش مورد بررسی قرار داد.

۴. یافته‌ها

با استخراج و تحلیل داده‌ها، موارد کاربرد استعاری عشق در ۱۵۰ ترانه در سه دسته استعاره‌های ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌طبقه‌بندی شدند. به‌طور کلی، در استعاره‌های مفهومی ساختاری دو کلید مفهومی «عشق وحدت است» و «عشق نیرو است»، شناسایی شدند. «عشق وحدت است» سه استعاره مفهومی [عشق سفر است]، [عشق مالکیت است] و [عشق امتزاج است] را در بر می‌گیرد. استعاره جهت‌ی، دو نام‌نگاشت [عشق بالا است] و [عشق حرکت رو به بالا است] را در بر می‌گیرد و فقط دو مورد رخ داد داشته‌است، مانند: «وقتی خیابون از سقوط عشق و آزادی پره». مفهوم‌سازی عشق در دو دسته استعاره‌های ساختاری و هستی‌شناختی و نیز در دو کلید مفهومی عشق نیرو است و عشق سفر است، در شکل‌های (۱) تا (۴) به تصویر درآمده‌است، در ادامه در پیوند با هر یک از شکل‌ها، نمونه‌ای ارائه می‌شود.



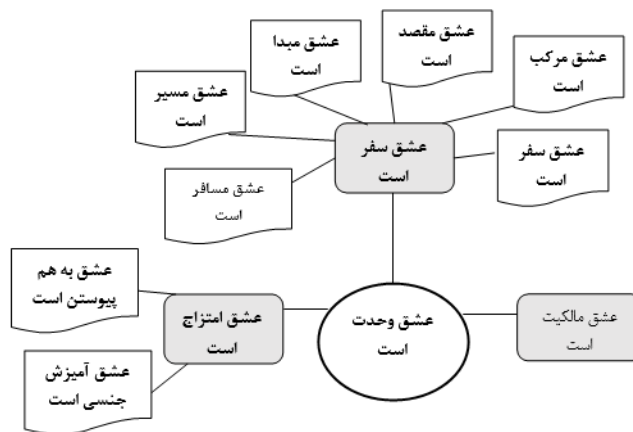
شکل ۱: انگاره استعاره‌های مفهومی ساختاری عشق هستی‌شناختی عشق

شکل ۲: انگاره استعاره‌های مفهومی

بر پایه شکل (۱)، نمونه‌هایی از استعاره‌های ساختاری عشق مشتمل بر این موارد هستند: [عشق نبرد است] (ارابه سردار عشق)؛ [عشق کلام است] (من قصه گوی عشقم)؛ [عشق حس است] (این هیجان عشق نیست)؛ [عشق زمان است] (بی تو فصل عشقم هم‌رنگ پاییزه)؛ [عشق معامله است]

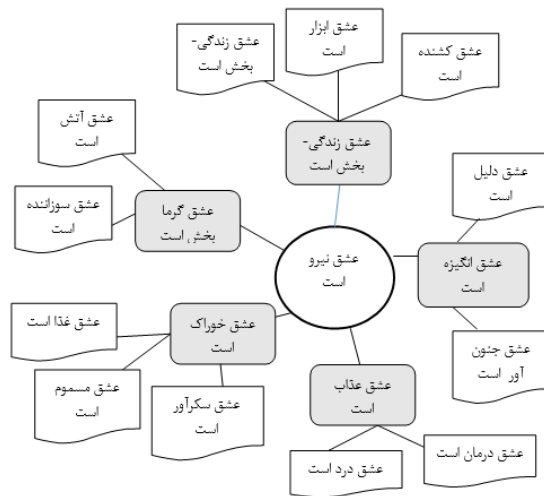
چه سودی بردم از عشق تو ای ناخوانده مهمون)؛ [عشق رؤیا است] (منو برب به خواب عشق)؛ [عشق نگاه است] (عشق یعنی نگاه، یعنی دو چشم) و [عشق گناه است] (من توبه کردم از عشق). در شکل (۲)، نمونه‌هایی از استعاره‌های هستی‌شناختی از این قرارند: [عشق گیاه است] (عاقبت عشق از تو گل کرد)؛ [عشق انسان است] (از سر بلند عشق بر سر دار بگو)؛ [عشق پرنده است] (من پرنده زمینی شده عشق)؛ [عشق ماده است] (آخه عشق یه عاشق با ندیدن کم نمی‌شه)؛ [عشق ساختمان است] (بسازم کلبه عشقی میان باغ فرداها)؛ [عشق شی است] (تو رفتی آینه عشق من شکست)؛ [عشق یک عنصر طبیعت است] (توی دریای عشقت باز یه گوشه‌ای می‌مونم)؛ [عشق محتوی ظرف است] (خالی‌ام از عشق و خاموشم)؛ [عشق ظرف است] (واسه عشقای تو خالی ساده مردن واسه چی) و [عشق رنگ است] (بیا و رنگ عشق بزن).

کلید مفهومی «عشق وحدت است» مشتمل بر سه استعاره مفهومی است: [عشق سفر است] (راه سفر عاشق از گردنه بندان پر)؛ [عشق مالکیت است] (هنوز عشق منی مثل همیشه) و [عشق امتزاج است] (واسه عشق بازی موجا قامتیم یه بستر نرم) (نگاه کنید به شکل ۳).



شکل ۳: انگاره کلید مفهومی عشق وحدت است

همچنین، کلید مفهومی «عشق نیرو است»، پنج استعاره مفهومی به شرح زیر را در بر می‌گیرد [عشق زندگی بخش است] (فقط به عشق تو زنده‌ام)؛ [عشق گرمابخش است] (از آن عشقی که در ما شعله می‌زد)؛ [عشق خوراک است] (من مست می‌عشقم)؛ [عشق انگیزه است] (به عشق دیدن یه هم وطن / تو به عشق من نجاتی پرچم بالا نمیره)؛ [عشق درد است] (همین که عشق تو عین عذاب) (نگاه کنید به شکل ۴).



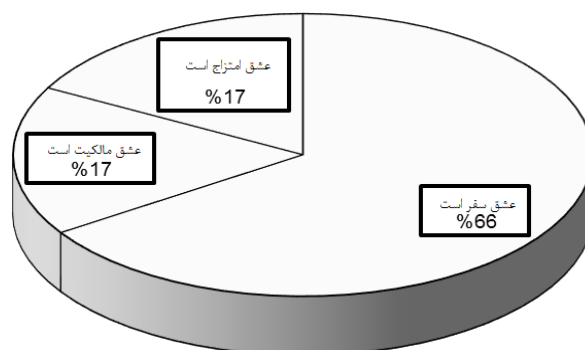
شکل ۴: انگاره کلید مفهومی عشق نیرو است

به منظور مقایسه و تحلیل چگونگی مفهوم سازی عشق در دو ژانر عاشقانه و اجتماعی پراکنده گی انواع استعاره ها در جدول های زیر به نمایش در آمده اند.

جدول ۲: استعاره های مفهومی ساختاری عشق

عاشقانه	اجتماعی	نام نگاشت	ردیف	استعاره مفهومی	ردیف	کلید مفهومی
۵	۰	عشق سفر است	۱	عشق سفر است	۱	عشق وحدت است
۱	۲	عشق مرکب است	۲			
۲	۰	عشق مقصد است	۳			
۱	۰	عشق مبدأ است	۴			
۶	۴	عشق مسیر است	۵			
۲	۰	عشق مسافر است	۶			
۵	۱	عشق مالکیت است	۷	عشق مالکیت است	۲	عشق وحدت است
۱	۲	به هم پیوستن است	۸	عشق امتزاج است	۳	
۳	۰	آمیزش جنسی است	۹			

کلید مفهومی عشق وحدت است سه استعاره مفهومی و در مجموع ۹ نام نگاشت را شامل می شود که ۳۵ مورد رخ داد داشته است. در هر دو ژانر [عشق مسیر است] پربسامدترین بوده است. [عشق سفر است] و [عشق مالکیت است] با فراوانی ۵ مورد در ترانه های عاشقانه در مقایسه با ترانه های اجتماعی رخ داد بالایی داشته اند.

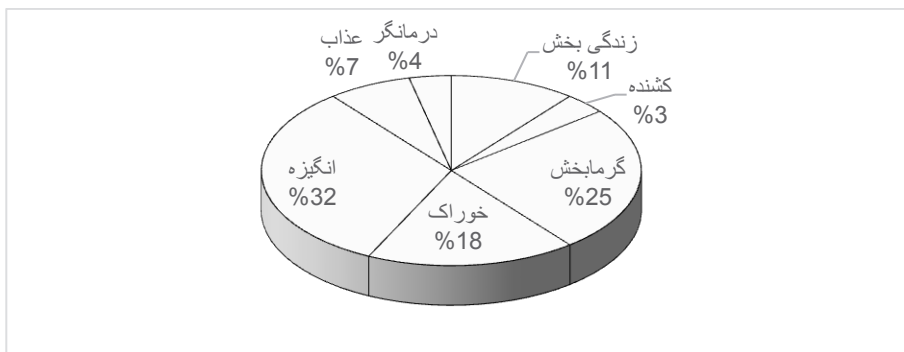


شکل ۵: درصد رخداد انواع استعاره مفهومی در کلید مفهومی عشق وحدت است

همان‌طور که در شکل (۵) مشاهده می‌شود، در کلید مفهومی «عشق وحدت است»، ۶۶ درصد به استعاره مفهومی [عشق سفر است] تعلق دارد. همچنین کلید مفهومی «عشق به هم پیوستن و مالکیت است»، ۱۷ درصد استعاره‌ها را در بر داشته‌اند. کلید مفهومی «عشق نیرو است»، ۱۱ نام‌نگاشت با ۲۸ مورد رخداد را شامل می‌شود. در ترانه‌های عاشقانه [عشق سوزاننده است] و در ترانه‌های اجتماعی [عشق دلیل است] پربسامدترین نام‌نگاشت‌ها بودند (نگاه کنید به جدول ۲). در ادامه (شکل ۶) درصد رخداد هر یک از استعاره‌های مفهومی نشان داده شده است.

جدول ۳: استعاره‌های مفهومی ساختاری عشق

کلید مفهومی	استعاره مفهومی	نام‌نگاشت	اجتماعی	عاشقانه
عشق نیرو است	عشق زندگی بخش است	عشق زندگی بخش است	۱	۲
		عشق کشنده است	۰	۱
	عشق گرمابخش است	عشق آتش است	۰	۲
		عشق سوزاننده است	۱	۴
عشق خوراک است	عشق غذا است	عشق غذا است	۰	۲
		عشق مسموم است	۱	۱
	عشق خوراک است	عشق سکرآور است	۱	۰
		عشق جنون‌آور است	۰	۱
عشق انگیزه است	عشق انگیزه است	عشق دلیل است	۸	۰
		عشق عذاب است	۲	۰
عشق درد است	عشق درد است	عشق عذاب است	۲	۰
		عشق مرهم است	۱	۰



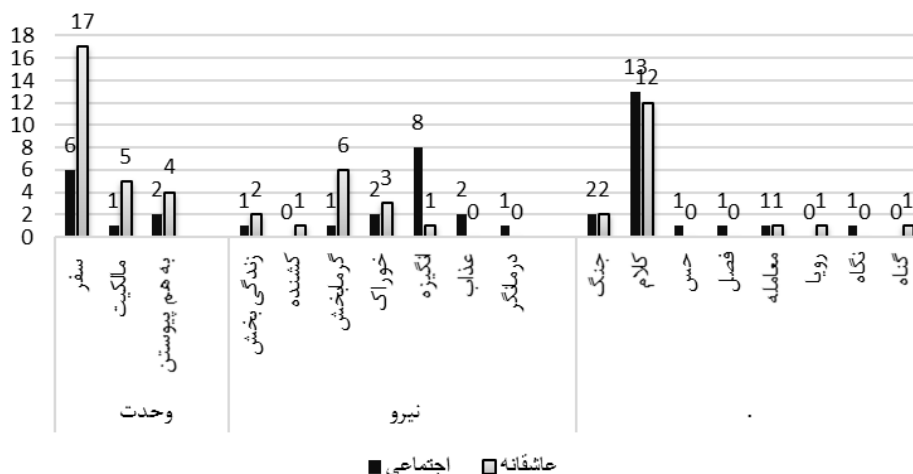
شکل ۶: درصد رخداد انواع استعاره مفهومی در کلید مفهومی عشق نیرو است

همان‌طور که شکل (۶) نشان می‌دهد در کلید مفهومی «عشق نیرو است»، ۳۲ درصد استعاره‌ها به [عشق انگیزه است] تعلق دارد. پس از آن، سوزاننده بودن عشق با ۲۵ درصد، رخداد به نسبت، بیشتری دارد. [عشق کشنده است] و [عشق درمانگر است] نیز فقط یک مورد رخداد داشته‌اند. علاوه بر این، ۸ استعاره مفهومی ساختاری دیگر در پیکره مورد بررسی شناسایی شدند (جدول ۳): [عشق نبرد است]، [عشق کلام است]، [عشق حس است]، [عشق زمان است]، [عشق معامله است]، [عشق رؤیا است]، [عشق نگاه است]، [عشق گناه است]. در هر دو ژانر، استعاره مفهومی [عشق کلام است] پربسامدترین بوده است (ژانر اجتماعی: ۱۳ مورد؛ ژانر عاشقانه: ۱۲ مورد).

جدول ۴: استعاره‌های مفهومی ساختاری عشق

عاشقانه	اجتماعی	نام‌نگاشت	ردیف	استعاره مفهومی ساختاری	ردیف
۲	۰	عشق دام است	۲۱	عشق نبرد است	۹
۰	۱	عشق لشگر است	۲۲		
۰	۱	عشق شجاعت است	۲۳		
۳	۳	عشق افسانه است	۲۴	عشق کلام است	۱۰
۰	۳	عشق ترانه است	۲۵		
۷	۶	عشق سخن است	۲۶		
۱	۰	عشق سرود است	۲۷		
۱	۰	عشق نوشته است	۲۸		
۰	۱	عشق واژه است	۲۹		
۰	۱	عشق حس است	۳۰	عشق حس است	۱۱
۰	۱	عشق هیجان است	۳۱		
۰	۱	عشق فصل است	۳۲	عشق زمان است	۱۲
۱	۱	عشق دادوستد است	۳۳	عشق معامله است	۱۳
۱	۰	عشق خواب است	۳۴	عشق رؤیا است	۱۴
۰	۱	عشق چشم است	۳۵	عشق نگاه است	۱۵
۱	۰	عشق گناه است	۳۶	عشق گناه است	۱۶

به این ترتیب، ۱۶ استعاره مفهومی ساختاری و ۳۶ نام‌نگاشت با ۱۰۰ مورد رخداد مورد تحلیل قرار گرفتند. پراکندگی گونه‌های مختلف استعاره‌های ساختاری در شکل (۷)، نشان داده شده‌است.



شکل ۷: توزیع استعاره‌های ساختاری در ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه

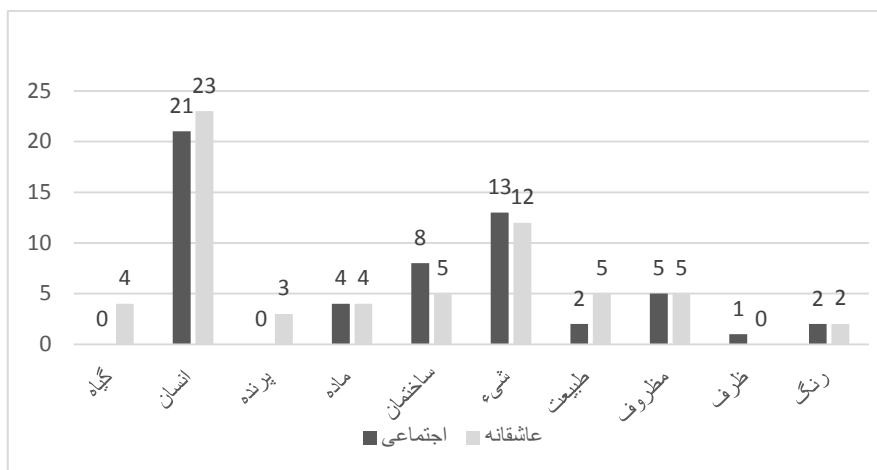
همان‌طور که در شکل (۷) مشاهده می‌شود، هر سه استعاره مفهومی مرتبط با کلید مفهومی «عشق وحدت است»، در ترانه‌های عاشقانه رخداد بیشتری داشته‌است. به‌ویژه استعاره «عشق سفر است»، بیشترین رخداد را داشته‌است. در استعاره «عشق نیرو است»، زندگی بخش بودن، کشنده بودن، خوراک بودن و سوزاننده بودن در ترانه‌های عاشقانه رخداد بیشتری در مقایسه با ترانه‌های اجتماعی داشته‌اند. برعکس، عشق انگیزه، عذاب و درمانگر است، در ترانه‌های اجتماعی رخداد بیشتری داشته‌اند. عشق کلام است در هر ژانر ترانه، فراوانی بالایی داشته‌است. عشق فصل است، حس است و نگاه است فقط در ترانه‌های اجتماعی رخداد داشته‌است. عشق رؤیا است و عشق گناه است نیز فقط در ترانه‌های عاشقانه، مشاهده شدند.

استعاره‌های هستی‌شناختی، در پیکره مورد بررسی ۱۰ استعاره مفهومی را در بر می‌گیرد: عشق گیاه است، عشق انسان است، عشق پرنده است، عشق ماده است، عشق ساختمان است، عشق شیء است، عشق یک عنصر طبیعت است، عشق محتوی ظرف است، عشق ظرف است و عشق رنگ است. به‌طور کلی، در این گونه استعاره‌های هستی‌شناختی، ۲۵ نام‌نگاشت طبقه‌بندی شد که ۱۱۹ مورد رخداد داشته‌اند (نگاه کنید به جدول (۵)).

جدول ۵: استعاره‌های هستی‌شناختی

عاشقانه	اجتماعی	نام‌نگاشت	شماره	استعاره هستی‌شناختی	شماره
۱	۰	عشق گل است	۱	عشق گیاه است	۱
۳	۰	عشق گیاه است	۲		
۱	۰	عشق چهره دارد	۳	عشق انسان است	۲
۱۹	۱۸	عشق انسان است	۴		
۳	۳	عشق معشوق است	۵		
۳	۰	عشق پرنده است	۶	عشق پرنده است	۳
۴	۴	عشق ماده است	۷	عشق ماده است	۴
۲	۴	عشق ساختمان است	۸	عشق ساختمان است	۵
۰	۱	عشق دنیا است	۹		
۱	۰	عشق پناهگاه است	۱۰		
۲	۳	عشق مکان مقدس است	۱۱		
۱	۰	عشق ابزار است	۱۲	عشق شیء است	۶
۲	۱	عشق آینه است	۱۳		
۶	۴	عشق شیء است	۱۴		
۳	۲	عشق شیء باارزش است	۱۵		
۰	۴	عشق شیء نورانی است	۱۶		
۰	۲	عشق شیء نجومی است	۱۷		
۱	۰	عشق آتشفشان است	۱۸	عشق یک عنصر طبیعت است	۷
۱	۰	عشق دریا است	۱۹		
۱	۰	عشق آسمان است	۲۰		
۲	۱	عشق چشمه است	۲۱		
۰	۱	عشق هوا است	۲۲		
۵	۵	عشق مظروف است	۲۳	عشق محتوی ظرف است	۸
۰	۱	عشق ظرف است	۲۴	عشق ظرف است	۹
۲	۲	عشق رنگ است	۲۵	عشق رنگ است	۱۰

پراکندگی گونه‌های مختلف استعاره‌های هستی‌شناختی در دو ژانر ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه در شکل (۸) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، استعاره [عشق انسان است] در هر دو ژانر پربسامدترین بوده است. سپس، استعاره [عشق شیء است] در هر دو ژانر از بسامد بالایی برخوردار بوده است.



شکل ۸: توزیع استعاره‌های هستی‌شناختی در ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه

همان‌طور که در شکل (۸) مشاهده می‌شود، استعاره [عشق گیاه است] و [عشق پرنده است] فقط در ترانه‌های عاشقانه رخ داد داشته‌است. [عشق ساختمان است] در ترانه‌های اجتماعی در مقایسه با عاشقانه فراوانی چشمگیری دارد.

[عشق بالا / پایین است] فقط استعاره‌ی جهت‌ی به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها بود که دو نام‌نگاشت [عشق بالا است] و [عشق حرکت رو به بالا است] را در بر داشت که در جدول (۶) نشان داده شده‌است.

جدول ۶: استعاره‌های مفهومی جهت‌ی

استعاره جهت‌ی	ردیف	نام‌نگاشت	اجتماعی	عاشقانه
عشق بالا/پایین است	۱	عشق بالا است	۱	۰
	۲	عشق حرکت رو به بالا است	۰	۱

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، استعاره‌های عشق در پیکره‌ی ترانه‌های فارسی موسیقی پاپ در دو ژانر اجتماعی و عاشقانه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. به‌طور کلی، تعداد ۲۱۹ کاربرد استعاری در مفهوم‌سازی عشق به‌کار رفته بودند. در این میان، استعاره‌های هستی‌شناختی با تعداد ۱۱۹ مورد (۵۶ نمونه در ترانه‌های اجتماعی و ۶۳ نمونه در ترانه‌های عاشقانه)، بیشترین کاربرد را در مفهوم‌سازی عشق در ترانه‌های فارسی داشته‌اند. پس از آن، به

ترتیب استعاره‌های ساختاری با مجموع ۹۸ مورد (۴۲ نمونه در ترانه‌های اجتماعی و ۵۶ نمونه در ترانه‌های عاشقانه) و استعاره‌های جهت‌ی با ۲ مورد (هر ژانر یک نمونه) به کار رفته‌اند.

[عشق کلام است] ۲۵ درصد استعاره‌های ساختاری را شامل می‌شود و پربسامدترین در این مقوله است. بعد از آن [عشق سفر است] (۲۳ درصد) از فراوانی بالایی برخوردار بوده‌است. در استعاره‌های هستی‌شناختی [عشق انسان است] ۳۷ درصد کل استعاره‌ها را در بر می‌گیرد. سپس، [عشق شیء است] (۲۱ درصد) از فراوانی نسبتاً بالایی برخوردار است. [عشق ظرف است] کم-رخدادترین استعاره در این مقوله بوده‌است.

استعاره‌های موجود در کلید مفهومی عشق وحدت است، ۲۱/۸ درصد از مجموع استعاره‌های مفهومی ترانه‌های عاشقانه و ۹ درصد از استعاره‌های مفهومی موجود در ترانه‌های اجتماعی را در بر داشته‌است. میزان رخداد انواع استعاره‌های مفهومی عشق در ترانه‌های عاشقانه در کلید استعاری عشق وحدت است در تمامی موارد بیشتر از ترانه‌های اجتماعی بود. باید توجه نمود که کارکرد گفتمانی ترانه‌های عاشقانه در راستای بازنمایی روابط عاطفی بینافردی است. به نظر می‌رسد این نوع مفهوم‌سازی در ترانه‌های عاشقانه در راستای برآوردن هدف‌های گفتمانی تولیدکنندگان متن است. این اهداف مواردی مانند قانع ساختن معشوق خود، برای محکم ساختن و یا آغاز رابطه را شامل می‌شوند.

[عشق مالکیت است] در ترانه‌های اجتماعی فقط یک مورد و در ترانه‌های عاشقانه پنج مورد رخداد داشته‌است که می‌تواند نشانه‌ای از تأکید بر روح جمعی در ترانه‌های اجتماعی باشد. استعاره مفهومی [عشق امتزاج است] عناصر به هم پیوستن و آمیزش جنسی را از حوزه مبدأ امتزاج بر حوزه مقصد عشق نگاشت کرده‌است. در ترانه‌های عاشقانه، نمونه‌هایی از نگاشت هر دو این مفاهیم بر حوزه مقصد مشاهده شد، اما در ترانه‌های اجتماعی [عشق آمیزش جنسی است] مشاهده نگردید.

کلید مفهومی عشق نیرو است، خود در بردارنده چند استعاره مفهومی ساختاری است که برای هر یک نام‌نگاشت‌هایی در پیکره مورد بررسی یافت شد. از میان موارد مورد بررسی، [عشق نوشیدنی سکر آور است]، [عشق درد است]، [عشق درمانگر است] و [عشق دلیل است] در متن ترانه‌های عاشقانه در پیکره مورد بررسی مشاهده نشد. در عین حال، در ترانه‌های اجتماعی [عشق غذا است] و [عشق جنون آور است] مشاهده نمی‌شود. آنچه در این میان از جنبه آماری بسیار چشمگیر است، فراوانی استعاره [عشق دلیل است] در ترانه‌های اجتماعی و عدم رخداد آن در ترانه‌های عاشقانه است.

کاربرد استعاره مفهومی [عشق انگیزه است] در ترانه‌های اجتماعی، به مراتب بیشتر از ترانه‌های عاشقانه است. ترانه‌های اجتماعی اغلب مفاهیمی مانند وطن‌پرستی، اعتراض به شرایط اجتماعی، گرایش به ایجاد تغییر، نوع دوستی و موارد مشابه را در بر می‌گیرد. انگیزه به وقوع پیوستن کنش‌های اجتماعی همسو با ایدئولوژی این گونه مخاطب‌ها از ترانه‌ها، به صورت عشق بازنمایی می‌شود. به بیانی، در ترانه‌های اجتماعی عشق از رابطه مبتنی بر تمایل‌های شخصی و رابطه عاشقانه بین دو فرد فراتر می‌رود و بیش از هر چیز به مثابه انگیزه و نیرو برای یک کنش اجتماعی تعبیر می‌شود. در ترانه‌های عاشقانه، اما عشق آن چیزی است که دو فرد را به یک‌دیگر نزدیک می‌کند و در این تعبیر از عشق حس مالکیت، وجود دارد. این نزدیکی، می‌تواند روحی باشد یا جسمی. در پژوهش حاضر، نکته‌ای که در مفهوم‌سازی عشق در ترانه‌های اجتماعی در مقابل ترانه‌های عاشقانه بسیار قابل توجه است، نسبت کاربرد بیشتر استعاره مفهومی [عشق عذاب است] و [عشق درمانگر است] در این ترانه‌ها است. به نظر می‌رسد، تولیدکنندگان این متن‌ها با استفاده از این نوع تقابل معنایی، سعی در قانع ساختن مخاطب در همراهی با ایدئولوژی‌های مورد نظر خود دارند. به این صورت که با تأکید بر سختی‌ها و رنج، به دشواری‌های کنش‌های مورد نظر خود اشاره دارند. آن‌ها در ادامه، همین کنش‌ها را درمانگری برای شرایطی می‌دانند که از آن رضایت ندارند. به این ترتیب، سعی در طبیعی جلوه دادن مخاطره‌هایی دارند که فرد در راه رسیدن به هدف ایدئولوژیک خود ممکن است با آن مواجه شود. به بیانی، رسیدن به مقصود خود درمان‌بخش این شکنجه‌ها است.

کاربرد استعاره‌های مفهومی که حوزه مبدأ آن‌ها گرمابخش، کشنده و زندگی‌بخش است در ترانه‌های عاشقانه بیشتر از ترانه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود. استعاره مفهومی [عشق کشنده است] در بازنمایی شرایط عاشق در وضعیت جدایی به کار رفته است و استعاره مفهومی [عشق زندگی‌بخش است] در بازنمایی رسیدن به معشوق. این نوع مفهوم‌سازی ارادی از عشق در ترانه‌های عاشقانه کارکردهای گفتمانی مانند برانگیختن حس همدردی مخاطب ترانه برای قانع ساختن وی به ماندن در رابطه، نقد و نکوهش عشق و ابراز پشیمانی از آن داشته است. از سوی دیگر با برجسته‌سازی خاصیت زندگی‌بخشی مفهوم عشق و دست‌یابی به گفتمان امید، آینده‌ای روشن را برای روابط عاشقانه مجسم کرده است.

همچنین کاربرد بیشتر استعاره‌های مفهومی که حوزه مبدأ آن‌ها حس، جدایی و نگاه است در ترانه‌های اجتماعی نمایانگر تفاوت مفهوم‌سازی عشق در این گفتمان است. مفهوم‌سازی عشق، به-مثابه کلام (قصه، سخن، واژه، ترانه، نوشته و افسانه) در هر دو ژانر، رخداد نسبتاً یکسان و در عین حال بالایی دارد. در استعاره [عشق جنگ است]، مفهوم‌سازی عشق به مثابه دام در ترانه عاشقانه و

لشگر در ترانه‌های اجتماعی رخداد داشته‌است. این نوع بازنمایی از عشق در ترانه‌های عاشقانه، نقش اثرپذیر عاشق را نشان می‌دهد. عشق دامی است که توسط دیگری گسترده شده‌است و عاشق در آن گرفتار می‌شود. از سوی دیگر، بازنمایی عشق در ترانه‌های اجتماعی بیانگر پویا نبودن عاشق و آمادگی وی برای مبارزه است. مفهوم‌سازی عشق به عنوان گیاه در ترانه‌های عاشقانه علاوه بر قابلیت رشد و شکوفایی، به ماهیت شکننده و نیازمند به توجه و مراقبت عشق میان دو نفر اشاره دارد. این در حالی است که در ترانه‌های اجتماعی، مفهوم عشق به عنوان ساختمان فراوانی پشمگیری دارد که عشق را به صورت بنایی محکم و امن بازنمایی می‌کند که می‌توان در آن پناه گرفت. جایی که در آن احساس آرامش و امنیت حاکم است.

مفهوم‌سازی عشق به مثابه آتش، سفر و مستی که در ترانه‌های پاپ فارسی شناسایی شد، با یافته‌های پژوهش پوراابراهیم و غیاثیان (Pour Ebrahim & Ghiasian, 2013) همسو است. عناصر استعاره عشق سفر است، در ترانه‌های فارسی با آنچه کووچس (Kövecses, 2010) ارائه داده است، شباهت بسیاری دارد. هر چند در پژوهش وی، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب مسیر از جمله مواردی بود که از حوزه مبدأ به حوزه مقصد عشق نگاشت می‌شود که در ترانه‌های فارسی نمونه‌ای از آن مشاهده نشد. از سوی دیگر، «مبدأ» نیز به عنوان یکی از عناصر حوزه مبدأ سفر در ترانه‌های فارسی به کار رفته‌است. لویز (López, 2010) [عشق وحدت/نیرو/زمان و موجود زنده است] را در آثار پابلو نرودا شناسایی کرده‌است که به مفهوم‌سازی عشق در ترانه‌های موسیقی پاپ فارسی شباهت دارد. همچنین، به طرح‌واره‌های هوس و جنسیت در برداشت غربی به عشق، اشاره کرده است. در پیکره مورد بررسی نمونه‌ای از عشق هوس است، مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش حاضر با ترن (Tran, 2011) نیز همسو است، اما نمونه‌ای از عشق یک سناریوی سه‌بعدی است مشاهده نشد. در هارپلا (Harpela, 2015) به استعاره «عشق خلسه است»، اشاره شده است که نمونه‌ای از آن در پیکره مورد بررسی مشاهده نشد.

به منظور محاسبه معناداری تفاوت رخداد انواع استعاره‌های مفهومی، در ترانه‌های اجتماعی و عاشقانه از نرم‌افزار تحلیل آماری اس. پی. اس. اس^۱ استفاده گردید. در ادامه مواردی که آزمون آماری تفاوت معناداری را نشان می‌داد، در جدول (۴) ارائه شده‌است:

^۱ SPSS

جدول ۷: یافته‌های تحلیل آماری معناداری تفاوت‌ها بین دو ژانر

3	The distribution of suzanandeh is the same across categories of genre.	Independent-Samples Mann-Whitney U Test	.044	Reject the null hypothesis.
5	The distribution of angizeh is the same across categories of genre.	Independent-Samples Mann-Whitney U Test	.011	Reject the null hypothesis.
8	The distribution of vahdat is the same across categories of genre.	Independent-Samples Mann-Whitney U Test	.000	Reject the null hypothesis.
18	The distribution of safar is the same across categories of genre.	Independent-Samples Mann-Whitney U Test	.002	Reject the null hypothesis.
21	The distribution of giyah is the same across categories of genre.	Independent-Samples Mann-Whitney U Test	.039	Reject the null hypothesis.

همان‌گونه که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، تفاوت رخ‌داد استعاره‌های عشق سوزاننده، انگیزه، سفر و گیاه است، در سطح $P < 0.05$ معنادار است. همچنین تفاوت این دو ژانر، در کلید استعاری عشق وحدت است، نیز معنادار است. به این ترتیب، فرضیه اول و دوم پژوهش مبنی بر تقسیم‌بندی استعاره‌های عشق به انواع ساختاری، هستی‌شناختی و جهت‌ی در هر دو ژانر و وجود تفاوت‌های کمی و کیفی معنی‌دار بین آنها تأیید می‌شوند.

فهرست منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امیری، محمد عارف (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان پیکره‌یار ترانه‌های فارسی: رهیافتی انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آیین‌وند، بهزاد (۱۳۹۰). *بررسی انتقادی-شناختی پدیده استعاره در گفتمان سیاسی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- پورابراهیم، شیرین، بلقیس روشن و مهدیه عابدی (۱۳۹۶). «استعاره‌های مفهومی عشق در زبان شعر و زبان روزمره (رویکرد تطبیقی)». *شعر پژوهی*. شماره ۳۲. صص ۴۹-۶۶.
- پورابراهیم، شیرین و مریم‌سادات غیائیان (۱۳۹۲). «بررسی خلاقیت‌های شعری حافظ در مفهوم‌سازی عشق»، *نقد ادبی*. سال ۶. شماره ۲۳. صص ۵۹-۸۲.
- داد، سیما. (۱۳۷۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ج ۲. تهران: مروارید.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۸۹). *رویکردهای پیکره‌ای به تحلیل انتقادی استعاره، چارتریس-بلک، انتشارات پالگرو مک‌میلان*، ۲۷۲ صفحه. *زبان و زبان‌شناسی*. دوره ۶. شماره ۱۲. صص ۱۷۳-۱۷۹.

- رضی، احمد؛ فائقه عبدالهیان. (۱۳۹۲). «ترانه‌سرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب». *پژوهش‌نامه ادب غنائی*. دوره ۱۱. شماره ۲۰. صص ۱۰۳-۱۲۰.
- زرقانی، سید مهدی، محمدجواد مهدوی و مریم آیاد (۱۳۹۳). «تطور استعاره عشق از سنایی تا مولانا». *ادبیات عرفانی*. دوره ۶. شماره ۱۱. صص ۴۳-۷۹.
- شریفی مقدم، آزاده، مریم آزادی‌خواه و وحیده ابوالحسنی زاده (۱۳۹۶). «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی». *زبان‌پژوهی*. زیر چاپ.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *سیر رباعی در شعر فارسی*. تهران: علم.
- فاروقی هندوآلان، جلیل اله و سیده ناهید حسینی (۱۳۹۳). «بررسی استعاره هستی‌شناختی در کارآواهای خراسان جنوبی». *زبان و ادبیات فارسی*. سال ۲۲. شماره ۷۶. صص ۷۱-۸۸.
- گلشائی، رامین، ارسلان گلفام، سید مصطفی عاصی و فردوس آفاگل‌زاده (۱۳۹۳). «ارزیابی پیکره‌بنیاد مفروضات نظریه استعاره مفهومی: بررسی موردی استعاره «بحث به مثابه جنگ» در زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. دوره ۵. شماره ۱ (پیاپی ۱۷). صص ۲۲۳-۲۴۷.
- هاشمی، زهره؛ قوام، ابوالقاسم (۱۳۹۲). «نگرش احمد غزالی به عشق بر بنیاد نظریه استعاره شناختی». *ادب پژوهشی*. شماره ۲۶. صص ۴۹-۷۱.

References

- Afrashi, A. (2016). *Introducing cognitive semantics*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [in Persian].
- Amiri, M. A. (2016). *A corpus-assisted discourse analysis of Persian lyrics: a critical approach* (Master's thesis). Institute for Humanities and Cultural studies, Tehran, Iran [in Persian].
- Ayineh Vand, B. (2012). *Critical-cognitive study of metaphor in Iran's political discourse* (Master's thesis). University of Isfahan, Isfahan, Iran [in Persian].
- Cameron, L., & Low, G. (1999). *Researching and applying metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. Berlin: Springer.
- Charteris-black, J. (2010). *Corpus approaches to critical metaphor analysis*. New York: Palgrave MacMillan. Translated by Ebrahim Rezapour. *Language and Linguistics*, 6 (12), 173-179 [in Persian].
- Dad, S. (1996). *A dictionary of literary terms*. Tehran: Morvarid [in Persian].
- Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis. The critical study of language*. London and New York: Longman.
- Faroughi, J., & Hosseini, N. (2014). A study of the ontological metaphors in the songs of southern Khorasan. *Persian language and literature*, 22 (76), 71-88 [in Persian].
- Gavelin, E. (2016). *Conceptual metaphors: a diachronic study of LOVE metaphors in Mariah Carey's song lyrics*. [Online]:
<<http://E.Gavelin-2016-diva-portal.org>>
- Ghavam, A., & Hashemi, Z. (2014). Ghazzali's viewpoint on love based on cognitive metaphor theory. *Journal of Adab Pazhuhi*, 7(26), 49-71 [in Persian].
- Golshaie, R., Golfam, A., Assi, S., & Aghagolzadeh, F. (2014). A corpus-based evaluation of conceptual metaphor theory's assumptions: the case of "ARGUMENT IS WAR" metaphor in Persian. *Language Related Research*, 5(17), 223-247 [in Persian].

- Guo, S. (2013). Metaphor studies from the perspective of critical discourse analysis: a case study of business acquisition. *Theory and Practice in Language Studies*, 3(3), 475.
- Harpela, J. (2015). *Metaphors of love in the lyrics of Kylie Minogue* (M.A. thesis). University of Oulu, Oulu, Finland.
- Ketonen, O. (1984). Rakkauden käsitteestä. In E. Saarinen, L. Alanen, & I. Niiniluoto (Eds.), *Rakkauden filosofia* (pp. 9-17). Porvoo, Helsinki and Juva: Werner Söderström.
- Kövecses, Z. (1995/2007). *Language and emotion concepts*. In Series A: General and Theoretical Paper No. 350. [Online]:
 <<http://www.linse.uni-due.de/laud-downloadliste/articles/language-and-emotion-concepts.html>>
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: a practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1999). *Philosophy in the flesh, the embodied mind and its challenges to Western thought*. New York: Basic Books
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2003). *Metaphors we live by* (2nd ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by* (first ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Li, W. (2016). Rethinking critical metaphor analysis. *International Journal of English Linguistics*, 6 (2), 92- 98.
- López, M. D. L. Á. N. (2010). *An approach to Pablo Neruda's love metaphors through cognitive poetics* (PhD thesis), University of Edinburgh, Edinburgh, Scotland, United Kingdom.
- Montgomery, M., Durant, A., Fabb, N., Furniss, T., & Mills, S. (2007). *Ways of reading: Advanced reading skills for students of English literature*. London: Routledge.
- Pour Ebrahim, S., & Ghiasian, M. (2013). An analysis of poetic creativity of Hafiz in conceptualization of LOVE. *Literary Criticism*, 6 (23), 59-82 [in Persian].
- Pour Ebrahim, S., Roshan, B., & Abedi, M. (2017). LOVE conceptual metaphors in Persian poetic and ordinary language (a comparative approach). *Poetry Studies*, 9 (2), 49-66 [in Persian].
- Protasi, S. (2008). A necessary conflict: Eros and Philia in a love relationship. *Nordicum-Mediterraneum*, 3 (1), 68-97.
- Razi, A., & Abdollahian, F. (2013) Songwriting in Iran after the victory of the Islamic revolution. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 11 (20), 103-120 [in Persian].
- Shamisa, S. (2007). *Ruba'i in Persian poetry*. Tehran: Elm [in Persian].
- Sharifi Moghadam, A., Azadikhah, M., & Abolhasani, V. (2018). Comparison between sadness and happiness conceptual metaphors in the songs of Parvin Etesami. *Zabanpazhuhi*, 11 (30), 4. Online Published [in Persian].
- Tran, T. T. T. (2011). *The semantics of metaphors of love in English and Vietnamese songs* (PhD thesis), University of Danang, Da Nang, Vietnam.
- Van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society*, 4 (2), 249-283.
- Zarghani, S. M., Mahdavi, M. J., & Ayad, M. (2015). Transformation of metaphor of love from Sanai to Rumi. *Adabiat Erfani*, 6 (11), 43-80 [in Persian].

Critical Analysis of Love Metaphor in Persian Lyrics: a Corpus-Based Approach

Atoosa Rostambeik Tafreshi¹
Mohammad Aref Amiri²

Received: 29/04/2017
Accepted: 16/04/2018

Abstract

This article is aimed at investigating different representations of “Love” in Persian Lyrics of Pop songs through identifying, classifying, and analyzing the conceptual metaphors of “Love”. “Love” as an abstract concept has always been an interesting subject in anthropological, sociological, and psychological studies mostly focusing on defining “love” in the best way. Protasi (2008) believes that Love can be considered as Eros which is defined as passionate love for someone. In Moein Encyclopedic Dictionary, “Love” is defined as “loving someone passionately, great attraction, and pleasure”. “Platonic Love” is another term mentioned under the same entry which is considered “loving someone without any physical attraction”. From a linguistic point of view, different ways of conceptualizing “Love” have been studied in the domain of emotions and human relations in recent years. According to Kövecses (2007, p. 2-9) basic emotions category includes love, joy, sadness, anger, and fear in most languages and cultures although there may be some minor differences among them. Conceptual metaphors and their roles in the category of concepts of emotions can be culture specific. Therefore, it is important to find out whether these conceptual metaphors form social models of emotions, or social models are just represented through these metaphors. Kövecses believes that both happen in languages.

1. Theoretical framework

In this research corpus-based critical metaphor analysis has been applied as the theoretical framework. The theory of conceptual metaphor which has received so much attention in recent years is used to identify the metaphors. Cognitive linguistics which is focused on human neural system and how it affects language and cognition has not paid that much attention to the role of socio-cultural factors and how they are related to discourse until recent years. Lee (2016) believes that by critical metaphor analysis, the speaker’s implicit intentions and the hidden power relations can be revealed. On the other hand, critical discourse analysis deals with

¹ Assistant Professor of Linguistics, Institute for humanities and cultural studies (Corresponding author); A.Rostambeik@ihcs.ac.ir

² PhD student of Linguistics, Institute for humanities and cultural studies; M.Amiri@ihcs.ac.ir

social problems, and aims at discovering the ideologies in the discourse. In this research the corpus-based critical metaphor analysis is based on the methodology introduced by Charteris-Black (2004). Metaphor analysis typically proceeds by collecting linguistic metaphors, generalizing from them to the conceptual metaphors and then using the results to suggest understandings or thought patterns which construct or constrain people's beliefs and actions (Cameron & Low, 1999, p. 80). These stages are a lot similar to three phases introduced in Fairclough (1995, p. 6) including identification, interpretation and explanation. Charteris-Black (2004) introduced three terms: conceptual key is a statement which resolves the semantic tension of a set of conceptual metaphors by showing their relationships; conceptual metaphor is a statement that resolves the semantic tension of a set of metaphors by showing their relationships, and metaphor which is a linguistic representation resulted from a change in the usage of a word or phrase from an expected context or domain to another unexpected domain or context, a change that creates semantic tension. Those instances that have metaphoric usage according to this framework are searched as keywords in the corpus and analyzed quantitatively. In the second phase which is qualitative, the context of the keywords is checked in the corpus to find out whether the keywords have a metaphoric or literal usage. In the next phase, it is tried to connect metaphors to the cognitive and pragmatic factors related to their usage.

2. Methodology

This research is a corpus-based discourse study, and aims at the critical analysis of love metaphor in the corpus of Persian lyrics in love and social Pop songs according to "Corpus Approach to Critical Metaphor" (Charteris-Black, 2004) in order to find out the significant differences between the metaphoric representations of love in these two genres. So, the method is a descriptive-analytic one. The analysis is based on the conceptual metaphors which were classified as structural, ontological and orientational metaphors. The research hypotheses are as follows: Conceptual metaphors of love in both genres can be classified into structural, ontological and orientational categories. The ways of conceptualization of love in structural, ontological and orientational metaphors show quantitative and qualitative significant differences in love and social lyrics.

3. Results and discussions

The sample consists of 150 lyrics (75 lyrics in each genre) which have been selected using corpus and computational methods from the corpus of contemporary Persian pop Lyrics consisting of 1000 lyrics (177377 words) (Amiri, 1395). 219 metaphors were analyzed. Findings show that ontological (N: 119), structural (N: 98) and orientational (N: 2) had the most and the least frequencies. Two conceptual keys, LOVE IS UNITY, and LOVE IS FORCE were identified. The occurrence of all metaphors of LOVE IS UNITY in love lyrics is higher than social lyrics and in LOVE IS FORCE conceptual key LOVE IS MOTIVE/ HEALER/ TORTURE is higher than in love lyrics. Statistical analysis shows that the difference between two genres in the LOVE IS UNITY conceptual key and LOVE IS BURNING/ CAUSE/ JUERNEY/ PLANT conceptual metaphors is significant ($P < 0.05$).

Keywords: love metaphor, Persian lyrics, critical analysis, corpus analysis